



دانشگاه هرمزگان
وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب



مقایسه اصول تعلیم و تربیت رسمی و عمومی با حوزه تربیت یادگیری آداب و مهارت های زندگی و بنیان خانواده

ندا دهقانی

کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان

Nedadehghani1378@gmail.com

چکیده

هدف: هدف کلی این مقاله مقایسه و بررسی حوزه تربیت و یادگیری آداب و مهارت های زندگی و بنیان خانواده با اصول تعلیم و تربیت رسمی و عمومی است. روش: روش تحقیق در این مقاله به صورت کمی است که به صورت کمی و کیفی نتیجه گیری شده است. روش گردآوری داده ها به صورت کتابخانه ای است که از منابع مدون شامل مقالات و سند تحول بنیادین و سند برنامه درسی ملی استفاده شده است که پس از گردآوری مطالب، به تجزیه و تحلیل این موارد پرداخته شده است. یافته ها: یافته ها نشان می دهد که، سند تحول بنیادین قریب به صد درصد توانایی رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده را دارد. و نیاز به هیچ گونه تغییر یا اصلاح ندارد سند تحول بنیادین به صورت جامع و کامل به همه اهداف در این حوزه یعنی حوزه تربیت و یادگیری آداب و مهارت های زندگی و بنیان خانواده پرداخته است.

واژگان کلیدی: تعلیم، تربیت، آداب، مهارت، خانواده

مقدمه

نظام تربیت رسمی و عمومی، به منزله یک نهاد اجتماعی و فرهنگی سازمان یافته متولی تحقق شایسته جریان «رسمی و عمومی» در همه سطوح سیاست گذاری، برنامه ریزی، پشتیبانی، هماهنگی، سازماندهی و اجرا، نظارت، ارزشیابی و اصلاح است. این نهاد مشتمل بر مجموعه ای بخش های اصلی و عناصری است که علاوه بر کارکرد ویژه، در جهت تحقق رسالت و اهداف نظام و بهبود جریان تربیت در ساحت های مختلف، با همدیگر در تعامل اند. کارکرد هماهنگ بخش ها و اجزای متعدد نظام تربیت رسمی و عمومی و تعامل سازنده آن ها با یک دیگر و با سایر عوامل سهیم و تاثیرگذار در جهت تحقق اهداف و رسالت آن، مستلزم اتکا بر اصولی معین (قواعد و ملاک هایی مشخص و سازگار برای راهنمایی عموم سیاست گذاران و کارگزاران این نهاد) است. اصول تربیت رسمی و عمومی قواعد و ضوابطی (و در واقع معیار و راهنمای چگونگی تحقق اهداف، رسالت و کارکردهای نظام تربیت رسمی و عمومی) هستند که مبنای عمل قرار می گیرند (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران سال، ۱۳۹۰). برای دستیابی به مراتبی از حیات طبعیه، آموزش های مرتبط با آداب و مهارت های زندگی و خانواده به عنوان فرصتی برای به کارگیری آموخته ها در موقعیت های واقعی زندگی و متناسب با تفاوت های فردی و شرایط و مقتضیات محلی، وظیفه آماده کردن فرد برای ورود آگاهانه و مسئولانه به زندگی خانوادگی و اجتماعی را بر عهده دارد. آداب و مهارت های زندگی مکمل یک دیگر و هر دو به دنبال آموزش سبک و آیین زندگی اند. بدین جهت نباید مرزی بین این دو ترسیم کرد. (برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰).

آموزش آداب و مهارت های زندگی از زمان پیدایش انسان هوشمند بر روی زمین شروع شده است و با توجه به باورها و اعتقادات مردم و نحوه معیشت انسان ها از مکانی به مکان دیگر فرق می کرده است. این آموزش ها توسط والدین، ریش سفیدان، سران قبایل، جنگاوران و یا شکارچیان به فرزندان آموزش داده می شد. با پیدایش ادیان، مسئولیت بخشی از این آموزش ها به پیامبران، پیروان درجه اول آن ها و بعد ها به روحانیون مذاهب و بخشی نیز از طریق خانواده ها، جنگاوران، صنعت گران و تاجران به اعضای خانواده، شاگردان یا اعضای گروه و صنف منتقل شد. با پیشرفت تمدن و تعمیق و رواج اخلاقیات و با نیاز های جامعه، آداب و مهارت ها توسعه یافت و در مواردی تمامی ابعاد زندگی را برگرفت (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۹۵). علی رغم اهمیت اصول تعلیم و تربیت، این اصول در زمینه تحقیقات پژوهشی با کاستی های فراوانی روبه رو است و یا به عبارتی پژوهشی که خاص این اصول باشد،